

عنوان دوره: برنامه‌ریزی آموزشی

کد دوره: ۹۱۴۰۰۴۶۷

کد نظام جامع: ۱۰۰۶

مدت دوره: ۳۶ ساعت



نقش برنامه‌ریزی آموزشی در توسعه آموزش و پرورش

مؤلفان: دکتر فرخ‌لقا رئیس‌دانا
دکتر مسعود وفائی

برنامه‌ریزی
آموزشی، توسعه
آموزش و پرورش، الگوهای
برنامه‌ریزی آموزشی



اشاره

در سه شماره پیش مفاهیم، واژه‌های کلیدی، تاریخچه پیدایش و تحول برنامه‌ریزی آموزشی و نیز انواع برنامه‌ریزی آموزشی به تفصیل مورد بحث قرار گرفت. در این شماره، نقش برنامه‌ریزی آموزشی در توسعه آموزش و پرورش، الگوهای برنامه‌ریزی آموزشی و فرایندهای آن در دو فصل مستقل مورد مذاقه و بحث قرار می‌گیرد.

مقدمه و مفهوم

توسعه، به سمت مطلوب حرکت کردن است. «در کلی‌ترین معنا توسعه، از قوه به فعل درآمدن استعدادها و توانایی‌هاست.» (محسن‌پور، ۱۳۷۹، ص ۸).

اصلی‌ترین مؤلفه آموزش و پرورش عامل انسانی است و انسان استعداد ذاتی برای توسعه و تغییر را داراست. شاخص «توسعه انسان» که در سال ۱۹۹۸ میلادی به وسیله یونسکو مشخص شد، تنها میزان «تولید ناخالص ملی» نیست بلکه مسائلی چون بهداشت، تغذیه، تعلیم و تربیت و حفظ محیط‌زیست (توسعه پایدار) را نیز شامل می‌شود. دقت بیشتر در همین شاخص اهمیت بسیار زیاد آموزش و پرورش را در توسعه انسان می‌نمایاند؛ زیرا مسائل دیگر غیر از تعلیم و تربیت یعنی «بهداشت»، «تغذیه»، «حفظ محیط‌زیست» و نظایر آن همه خود، به عامل انسانی برمی‌گردد که جایگاه تربیت و توسعه آن آموزش و پرورش است.

برای آن‌که نقش برنامه‌ریزی آموزشی در توسعه آموزش و پرورش را بنمایانیم، ابتدا باید ببینیم منظور ما از توسعه آموزش و پرورش چیست؟ ابعاد توسعه کدام است و چه مؤلفه‌هایی تحت پوشش آن قرار می‌گیرند. در این بخش، ضمن معرفی مفاهیم، ابعاد و مؤلفه‌های توسعه و روند ارتباط توسعه با برنامه‌ریزی آموزشی به تشریح نقش برنامه‌ریزی آموزشی در توسعه آموزش و پرورش می‌پردازیم.

ابعاد و شاخص‌های توسعه آموزش و پرورش

یکی از صاحب‌نظران توسعه (فورتادو ۱۹۸۹، نقل از

محسن‌پور، ۱۳۷۹، ص ۱۴) سه بُعد را به عنوان شاخص توسعه معرفی کرده است:

۱. افزایش کارایی نظام تولید در جامعه؛
 ۲. برآورده شدن نیازهای اساسی مردم؛
 ۳. محقق شدن هدف‌های موردنظر گروه‌های متفاوت جامعه؛
- در توضیح ابعاد فوق، گفته شده است که: بُعد اول توسعه یعنی «افزایش کارایی نظام تولید» را می‌توان برحسب افزایش تولید ناخالص ملی یا تولید ناخالص داخلی (یعنی سطح استفاده از فناوری و صنعتی شدن) اندازه گرفت. (همان).
- اگر نظام آموزش و پرورش را بخشی از کل نظام جامعه به شمار آوریم، می‌توانیم از همین بُعد شاخص اولین ملاک یا معیار توسعه آموزش و پرورش را مشخص کنیم. در این ارتباط، می‌توان گفت:

- بُعد اول از شاخص توسعه عبارت است از افزایش سرانه و هزینه دانش‌آموزی از یک‌سو و افزایش بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آموزشی، اعم از فناوری‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری (فناوری اطلاعات و ارتباطات) و نیز بهره‌گیری از رویکردها، رویه‌ها و راهبردهای نوین و کارساز روز از سوی دیگر.
- «بُعد دوم مشخص شده برای شاخص توسعه یعنی «برآورده شدن نیازهای اساسی مردم» را باید براساس برآورده شدن نیازهای مادی و نیازهای روانی-اجتماعی مورد سنجش قرار داد. (همان).

اصلی ترین مؤلفه

آموزش و پرورش

عامل انسانی است و

انسان استعداد ذاتی

برای توسعه و تغییر را

داراست

از قیاس نظام آموزش و پرورش با نظام کلی جامعه به صورت جزئی از کل، می توان دومین شاخص توسعه آموزش و پرورش را به صورت «برآورده شدن نیازهای مادی و روانی - اجتماعی مشمولان آموزش و پرورش از یک سو و کارگزاران آموزش و پرورش از سوی دیگر» عنوان نمود و گفت درجه برآورده شدن نیازهای مادی و معنوی کارگزاران آموزش و نیازهای جسمانی - روانی - اجتماعی مشمولان آموزش می تواند دومین شاخص برای توسعه آموزش و پرورش به حساب آید.

● «در بُعد سوم توسعه، علاوه بر رشد اقتصادی باید توزیع عادلانه منابع جامعه برای جوابگویی به نیازها براساس سطوح تصمیم گیری نیز در نظر گرفته شود؛ یعنی طبق این ضابطه، به میزان توسعه جامعه، براساس مشارکت مردم در فرایند تصمیم گیری سنجیده می شود.» (همان).

با استفاده از قیاس گفته شده در فوق و تعریف

فورتادو از بعد سوم شاخص بیان شده، سومین شاخص توسعه آموزش و پرورش را می توان به صورت درجه «توزیع عادلانه منابع ممکن و فراهم آموزش و پرورش» از یک سو و «درجه مشارکت اقشار دست در کار و ذی نفع آموزش و پرورش در فرایند تصمیم گیری ها»، از سوی دیگر تعیین و مشخص کرد.

نقش اساسی برنامه ریزی آموزشی در توسعه آموزش و پرورش

برنامه ریزی آموزشی پدیده ای است که در اصل، به منظور تهیه و تدارک برنامه های توسعه ای کشورها به وجود آمده و ضمن نقش پذیری در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - سیاسی کشورها، به طور مستقیم در توسعه آموزش و پرورش هم نقش اساسی دارد.

برنامه ریزی آموزشی در سطوح ملی، منطقه ای و محلی، در هر نوع نظام از برنامه ریزی آموزشی (که در بخش های پیشین عنوان شد) پایه و مبنای اصلی و اساسی توسعه آموزش و پرورش است و در هریک از ابعاد و شاخص های برشمرده شده در همین بخش قابلیت عمل دارد. درجه تحقق

هدف های توسعه ای آموزش و پرورش، همه، به اعتبار و پايی برنامه ریزی آموزشی وابسته است. برنامه ریزی آموزشی برای ایفای نقش مؤثر و مفید خود در توسعه آموزش و پرورش باید موارد زیر را به عنوان بایسته های شایسته و جهت همت قرار دهد:

۱. همه انواع آموزش اعم از آموزش های عمومی و اختصاصی، فنی و حرفه ای و آموزش عالی را دربرگیرد؛
۲. بر مبنای تحلیل و تبیین وضعیت موجود و شناخت نقاط قوت و ضعف، فرصت ها و تهدیدها، ضعف های ساختاری و عملکردی و کیفیتی استوار شود؛

۳. بر برنامه های چشم اندازی و بلندمدت راهبردی متکی باشد و دغدغه ها و چالش های آینده را مورد توجه قرار دهد. به عبارت دیگر، وضع مطلوب را ترسیم کند؛
۴. پژوهش محور باشد و به استناد نتایج پژوهشی برنامه ریزی کند؛

۵. برنامه های ملی، منطقه ای و محلی در سطوح فرایندی کلان تا خرد، همه را تحت پوشش بگیرد؛

۶. برای تمام سطوح اجرایی برنامه های عملیاتی داشته باشد؛

۷. «ارزشیابی» را به عنوان رکن جدایی ناپذیر برنامه ریزی به شمار آورد؛

۸. اصلاح و تغییر بر مبنای ارزشیابی ها را به عنوان یک اصل بپذیرد و به آن عمل کند؛

۹. در کار برنامه ریزی «مشارکت جو» باشد و از فعالیت های دستوری و تجویزی دوری کند؛
۱۰. «کمیت» و «کیفیت» را دو عامل تأثیرگذار وابسته به هم بدانند و به هر دو عامل توجه کنند؛

۱۱. رشد معنوی (ارزشی، اخلاقی، دینی و مذهبی)، رشد اجتماعی - فرهنگی، رشد سیاسی، رشد اقتصادی و شناختی مشمولان را به طور هماهنگ و متعادل مورد توجه قرار دهد؛

۱۲. کسب دانش و بینش مستمر نسبت به دیدگاه ها و موقعیت های نو را و جهت همت قرار دهد و با دانش روز پیش برود.

برنامه ریزی آموزشی برای ایفای موفق نقش خود با توجه به ابعاد و شاخص های موردنظر توسعه باید طی مراحل زیر برنامه ریزی کند:

۱. کسب اطلاعات پایه لازم از منابع



صورت گیرد. لذا باید گفت نقش «برنامه‌ریزی درسی» در توسعه آموزش و پرورش همان‌قدر مهم است که نقش «برنامه‌ریزی آموزشی».

فصل ۶

الگوها و جهت‌گیری‌های برنامه‌ریزی آموزشی

۱. الگوهای برنامه‌ریزی آموزشی

با توجه به تعاریف گوناگون برنامه‌ریزی آموزشی و نقطه‌های تأکید هر یک، الگوهای متعددی هم به دست داده شده است. به تبع تعاریف، بعضی الگوها در چارچوب و قالب اقتصادی ارائه شده و بعضی دیگر در چارچوب و قالب ارتباط و تعامل میان تصمیمات. اگرچه تعداد الگوهای ارائه شده زیاد است، به دلیل محدودیت فضا و زمان در این بخش به معرفی چند الگوی پرکار می‌پردازیم.

طبقه‌بندی آدامز از الگوهای برنامه‌ریزی آموزشی

آدامز با طبقه‌بندی تعاریف گوناگون از برنامه‌ریزی آموزشی دو قالب الگویی تشخیص داده و تعاریف را در آن دو قالب گنجانده است:

۱. الگوی برنامه‌ریزی عقلایی شامل تعاریف:

● «برنامه‌ریزی فرایندی است که به انتخاب عقلایی یا فنی منجر می‌شود.»

● «برنامه‌ریزی عبارت است از تهیه نقشه‌های زمان، مکان و هم‌چنین علیت‌ها در مجموعه‌های نوین.»

● «برنامه‌ریزی خط‌مشی تصمیم‌گیری است که در زمره هدایت سیاست و اعمال قدرت قرار دارد.»

۲. الگوی برنامه‌ریزی تعاملی شامل تعاریف:

● «برنامه‌ریزی عبارت است از تعامل و داد و ستد بین تصمیماتی که در نتیجه مذاکره صورت می‌گیرد.»

● «برنامه‌ریزی اساساً یک فرایند آموزشی و یادگیری است.»

● «برنامه‌ریزی سازمان‌دهی امیدهاست.»

آدامز با توجه به نوع استفاده از داده‌های سخت (عینی) یا نرم (ذهنی) در برنامه‌ریزی، دو روایت «قوی» و «ضعیف» را در معرفی الگوها به کار می‌برد. به نظر او در روایت قوی، متغیرها به نشانگرهای کمی محدود می‌شوند و فرایند تصمیم‌گیری در این الگو خطی و تجویزی است. در روایت ضعیف، فرایند تصمیم‌گیری صرف‌نظر از خطی یا غیرخطی بودن، متأثر از مذاکره و تعامل و تشخیص همه عوامل اثرگذار است. بدین ترتیب، در دو نوع کلی از الگوهای برنامه‌ریزی: ۱- الگوی عقلایی و ۲- الگوی تعاملی دو روایت قوی و ضعیف قابل تشخیص‌اند.

معتبر و متکی بر پژوهش‌های کمی و کیفی آموزشی؛
۲. تحلیل داده‌های گردآوری شده و تبیین اطلاعات و تشخیص وضعیت موجود؛

۳. تحلیل برنامه‌های چشم‌اندازی و تحولی و تبیین و تشخیص چالش‌ها و فرصت‌ها؛

۴. تدوین برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت؛

۵. پیش‌بینی مکانیسم‌های اجرا، کنترل، نظارت، هدایت و ارزشیابی؛

۶. پیش‌بینی نظام اصلاح و تغییر مستمر در چرخه‌ای نظام‌مند از برنامه‌ریزی.

برای چنین برنامه‌ریزی آموزشی که در خدمت توسعه به ویژه توسعه آموزش و پرورش قرار خواهد گرفت، در کل، ویژگی‌های زیر را برای برنامه‌ریزی آموزشی می‌توان برشمرد:

● بلندمدت از نظر زمانی؛

● راهبردی از نظر عملیاتی؛

● جامع از نظر پوشش سطوح و انواع آموزش؛

● کارآمد از نظر الگویی؛

● متوجه انواع نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دینی و معنوی و ارزشی؛

● پویا از نظر برنامه‌ای.

باید توجه داشت که درک مفهوم توسعه‌یافتگی دو وجه دارد:

۱. «وجه اندیشه‌ای» با رویکرد انسان‌نگری به این معنا که باید ذهنیت توسعه‌ای در افراد درگیر در کار شکل بگیرد و مفهوم «توسعه» به درستی درک شود.

۲. «وجه سخت‌افزاری» با رویکرد وسیله‌نگری به این معنا که تمام عوامل اثرگذار بر توسعه، شناسایی و به عنوان وسیله تحقق هدف‌های توسعه تلقی و تأمین شود.

درک درست از مفهوم توسعه و ابعاد شاخص‌های آن، موجب هم‌جهتی با هدف‌های توسعه و تأمین مقاصد نهایی آن می‌شود.

نقش برنامه‌ریزی درسی چیست؟

واقعیت این است که «برنامه‌ریزی درسی» وسیله اصلی و اساسی تحقق هدف‌های کیفی برنامه‌های آموزشی است. بدون وجود برنامه‌های درسی دارای اعتبار، برنامه‌ریزی آموزشی به هیچ وجه قادر به اجرا نخواهد بود. لذا توجه به ضرورت همراهی و هم‌گامی برنامه‌ریزی آموزشی و برنامه‌ریزی درسی اهمیت خاص دارد و برنامه‌ریزی‌ها در هر دو حوزه باید با هم‌آهنگی و اطلاع کامل از هدف‌ها و برنامه‌های یکدیگر

«برنامه‌ریزی درسی»

وسیله اصلی و اساسی

تحقق هدف‌های

کیفی برنامه‌های

آموزشی است. بدون

وجود برنامه‌های

درسی دارای اعتبار،

برنامه‌ریزی آموزشی

به هیچ وجه قادر به

اجرا نخواهد بود

صورت می‌گیرد، اما از نتایج آن برای اصلاح چگونگی فرایند اجرا استفاده می‌شود نه برای تغییر خود برنامه.

دایره «توافق جمعی» در شکل ۱، نشانه وجود الگوی «توافقی» است که در حد وسط پیوستار ذهنیت، عینیت قابلیت جای‌گیری دارد.

در این الگو، برنامه‌ریزی کاملاً متمرکز نیست و مسئولان منطقه‌ای و محلی در فعالیت‌های برنامه‌ریزی آموزشی مشارکت دارند. این الگو به نام‌های الگوی «سازشی» و «مذاکره‌ای»، «مبتنی بر موقعیت» هم نامیده شده است. موفقیت در این الگو با رفع موانع و ایجاد شرایط مورد توافق جمعی برابر است. در این الگو دو عنصر عینیت و ذهنیت به صورت هماهنگ و متعادل در برنامه‌ریزی مداخله می‌کنند.

دایره «سیاسی» در شکل ۱، نشانه وجود الگوی «سیاسی» است که چون الگوی توافقی در حدود میانه الگوهای عقلایی و تعاملی قرار می‌گیرد. در این الگو، هدف‌ها به صورت متمرکز و توسط سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان سطوح بالای نظام تهیه، تعیین و تدوین می‌شوند؛ اما اجرا یعنی حرکت به سوی تحقق هدف‌ها توسط مسئولان منطقه‌ای و محلی، بنابر شرایط و امکانات منطقه و محله، برنامه‌ریزی می‌شود. این الگو به ویژه، در سال‌های اخیر بانضج رویکرد تقاضای اجتماعی و امکانات آموزشی منطقه‌ای و محلی بیشتر از الگوهای دیگر مورد توجه قرار دارد.

الگوی تعاملی در این شکل در منتهی‌الیه سمت راست پیوستار قرار می‌گیرد. ذهنیت در تصمیم‌گیری در این الگو غالب بوده و اما از داده‌های سخت و نرم هر دو استفاده می‌شود. و برنامه‌ریزی کلاً غیرمتمرکز است. نکته قابل توجه درباره انواع الگوها هم‌پوشی‌های آن‌هاست. «در الگوهای سیاسی عقلایی هم از داده‌های سخت (عینی) و هم از داده‌های نرم (ذهنی) استفاده می‌شود. در الگوهای فنی - عقلایی سهم داده‌های نرم ناچیز و سهم داده‌های سخت در برنامه‌ریزی بیشتر است.» (همان ص ۲۰۸). در الگوهای تعاملی هر دو نوع داده سخت و نرم، بجا، و به اندازه مورد استفاده قرار می‌گیرند.



شکل ۱- بازنمایی الگوهای برنامه‌ریزی آموزشی (آدامز ۱۹۸۸ نقل از مشایخ ۱۳۸۰ ص ۲۰۷)

طبقه‌بندی هودسن از الگوهای برنامه‌ریزی آموزشی

هودسن^۱ (۱۹۷۹) نقل از کارلسون و آکرمن، ترجمه سرمد ص ۲۱) پنج مدل یا الگوی برنامه‌ریزی را از یکدیگر ممتاز

در الگوی عقلایی در روایت قوی، برنامه‌ریزان از روش‌های اقتصادی، مهندسی، تحلیل نظام‌ها و پژوهش در عملیات بهره می‌گیرند و به متغیرهای کمی و عینی بیشتر توجه دارند. در حالی که در الگوی تعاملی در روایت ضعیف، از روش‌ها و پژوهش‌های کیفی بیشتر بهره گرفته می‌شود و به متغیرهای کیفی و ذهنی بیشتر توجه می‌شود؛ اگرچه متغیرهای عینی هم به درجاتی حضور دارند. نشانگرهای این متغیرها بیشتر از نوع «تفکر نرم» هستند مثل:

- کاربرد دانش علمی در حل مسائل (خردگرایی فناور)؛
- حفظ قدرت و حمایت از بقای نهاد یا قوانین نهادینه شده (خردگرایی سیاسی)؛
- ارتقا و حمایت از ارزش‌های متعالی (خردگرایی اخلاقی).

(آدامز ۱۹۸۸ نقل از مشایخ ۱۳۸۰ ص ۲۰۶).

روش‌ها و راهبردهای نیروی انسانی، هزینه - فایده و تقاضای اجتماعی که در بخش پیش معرفی شدند، هریک نمونه‌هایی از کاربرد الگوهای عقلایی به شمار می‌روند.

در الگوی تعاملی، برنامه‌ریزان از علوم اجتماعی و

جامعه‌شناسی، علوم سیاسی

و علوم اداری بهره می‌گیرند؛

اما متغیرهای مورد نظر آن‌ها

در دو روایت قوی و ضعیف

هم‌چون الگوهای عقلایی است.

آدامز الگوهای موردنظر را روی

یک پیوستار نشان داده تا بتواند

بهره‌گیری از دو عنصر «عینیت»

و «ذهنیت» در برنامه‌ریزی‌ها را

به خوبی بازنمایی کند. (شکل ۱).

دایره «فنی» در شکل ۱،

نشانه وجود الگوهای «فن‌گرا»،

بارزترین نمونه عینیت‌گزینی

الگوهای عقلایی است. در این

الگو، برنامه‌ریزی از نوع متمرکز

است و فرایند تصمیم‌گیری کاملاً

خطی و محدود اختیارات مشخص

است. موفقیت در این الگو برابر با

تحقق هدف‌های برنامه است.

برنامه معمولاً برای پیشرفت و یا

تغییر و اصلاح هیچ‌گونه پیش‌بینی

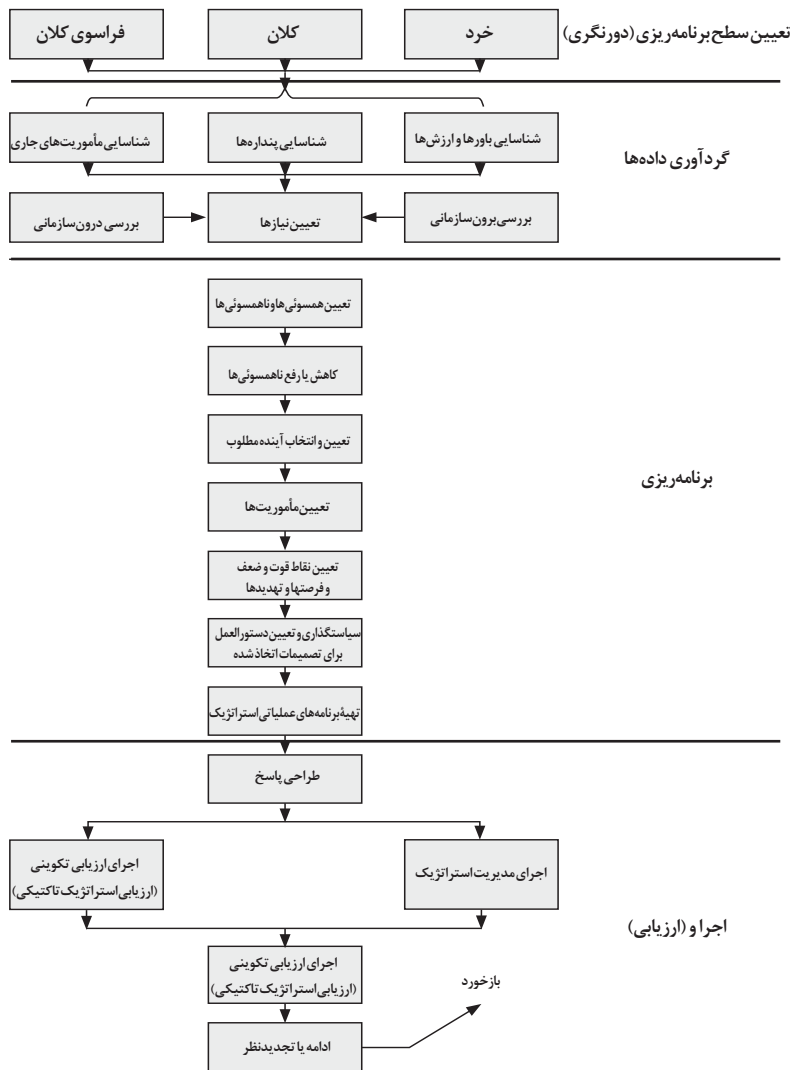
ندارد. به عبارت دیگر، اگرچه

ارزشیابی بعد از اجرای برنامه

جدول مقایسه سه مدل ویلسون. منبع: کارلسون

و آکرمن ترجمه سرمد ۱۳۸۴، ص ۳۱.

مدل	فرایند	ساخت	تکنولوژی
فنی‌گرا	فعالیت‌های تحلیلی و اداری از طریق متخصصین ذی‌نفوذ	ادارات برنامه‌ریزی متمرکز، خطوط مرجعیت روشن	مطالعات مربوط به تحلیل سیستمی هزینه - فایده، تکنیک‌های برنامه‌نویسی
سیاسی	مبادله مذاکره، همکاری گروه‌های قدرت‌مدار	مکانیسم‌های متمرکز هدف و سیاست، ابزار پراکنده، ارتباط کلامی، تجمع علائق	ترکیب سیستم‌های رسمی، تحلیلی و غیررسمی و مبادله کمتر رسمی اطلاعات
مورد توافق	گفت‌وگو، افزایش آگاهی	گروه‌های کوچک چهره و به چهره و غیرمتمرکز	مداخله به طریق سیستمی



نمودار ۱- چارچوبی برای برنامه ریزی استراتژیک (کافمن و هرمن، ترجمه مشایخ و بازرگان ص ۶۷)

وسیله ای با ارزش برای هدایت نظام مند فعالیت های انسانی در جهت رسیدن به آرمان ها و هدف های مشخص است. برنامه ریزی آموزشی از چارچوب، اصول و در کل، از مبانی برنامه ریزی تبعیت می کند و قلمرو آن آموزش و پرورش است. برنامه ریزی آموزشی فرایند محور است یعنی دارای مراحل مشخص به هم مرتبط است و در قالب نظامی هماهنگ از تصمیمات، تولید خروجی مورد انتظار را به طور مستمر تحت کنترل و هدایت دارد.

قالب های برنامه ریزی آموزشی

چنانچه پیش تر نیز گفته شده است در قالب های زیر می گنجند:

کرده است:

- اجمالی؛
- افزایشی؛
- تعاملی؛
- حمایتی؛
- عقلانی؛

مدل «اجمالی» هودسن کاملاً نظیر مدل عقلایی طبقه بندی آدامز است. در مدل «افزایشی»، نقش «وسایل» در برنامه ریزی اهمیت بیشتری دارد تا نقش هدف ها. مدل «تعاملی» همان ویژگی های الگوی تعاملی آدامز را داراست. مدل «حمایتی» نیز نظیر مدل تعاملی آدامز است. در این الگو هدف مداری و ارزش مداری هر دو مورد حمایت قرار می گیرند. مدل «عقلایی» هودسن دو بعد دارد: الف- بعد اتکای به خود و کمک متقابل در فعالیت ها و ب- ویژگی های ساختاری نظام های آموزشی. «در پنج مدل برنامه ریزی هودسن، نخستین مدل یعنی الگوی اجمالی اصولاً عقلایی و چهار مدل دیگر اساساً متعامل اند». (همان ص ۲۲).

طبقه بندی کارلسون و آکرمن از الگوهای برنامه ریزی آموزشی

(کارلسون و آکرمن ترجمه سرمد ۱۳۸۴ ص ۳۱-۲۹) سه نوع الگو از برنامه ریزی آموزشی را معرفی کرده اند (نمودار ۱):

- الگوی فنی گرا؛
- الگوی سیاسی؛
- الگوی مورد توافق.

الگوی «فنی گرا»، در گروه مدل های عقلانی می گنجد. به امور کارشناسی اهمیت می دهد و فرایند تصمیم گیری خطی را در برنامه ریزی طی می کند.

الگوی «سیاسی» برنامه ریزی را فرایندی پویا و ترکیبی از تعامل و مبادله می بیند، هم از داده های کمی استفاده می کند و هم به متغیرهای کیفی اهمیت می دهد. عنصر «چانه زنی» مهم ترین خصیصه این الگوست.

الگوی «مورد توافق» اقداماتش مبتنی بر توافق جمعی است. ارتباطات مهم ترین خصیصه این الگوست. در جدول زیر مقایسه ای از سه مدل ذکر شده از نظر فرایند، ساخت و تکنولوژی به دست داده شده است.

فصل ۷

فرایندهای برنامه ریزی آموزشی

مقدمه

برنامه ریزی نقشه راه برای رسیدن به مقصود با جهت گیری های منطقی و اتخاذ رویکردهای مناسب و پیش بینی نتایج و پیامدهای حاصل از اجرای برنامه است. برنامه ریزی

برنامه‌ریزی

استراتژیک فرایندی

پویاست که با

آینده‌نگری واقعیات

و موقعیت‌های موجود

را تحلیل می‌کند و با

توجه به هر دو جنبه

برای آینده‌ای بهتر

طرح و برنامه تهیه

می‌کند

از نظر گستره در قالب: برنامه‌های ملی، منطقه‌ای، محلی و گاهی بین‌المللی؛

از نظر سطح در سه قالب: خرد، کلان و فراسوی کلان؛
از نظر افق زمانی در سه قالب کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت؛

از نظر الگویی در دو قالب: عقلایی و تعاملی؛
از نظر منبع تصمیم‌گیری در سه قالب: متمرکز، نیمه‌متمرکز و غیرمتمرکز؛

از نظر حال‌نگری و دورنگری در دو قالب: سستی و راهبردی؛

از نظر رویکردی در چهار قالب: سرمایه یا نیروی انسانی، هزینه-فایده، تقاضای اجتماعی و توسعه انسانی؛

از نظر جهت‌گیری در سه قالب: اقتصادی، اجتماعی-سیاسی و فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی؛

و از نظر داده‌ها در دو قالب: سخت و نرم.
در این بخش، ضمن تشریح مراحل برنامه‌ریزی و ذکر عناصر مشترک انواع برنامه‌ریزی‌های موفق، فرایندهای چند نوع برنامه‌ریزی آموزشی تبیین و تحلیل می‌شود.

برنامه‌ریزی آموزشی پاسخ‌گوی پرسش‌های کلیدی

برنامه‌ریزی آموزشی فرایندی است که به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

● نیازها کدام‌اند؟

● چه هدف‌هایی را بر مبنای نیازها باید جست‌وجو کرد؟
● برای تحقق هدف‌ها چه طرح‌ها و برنامه‌هایی لازم است؟
● برنامه‌ها و طرح‌ها را با کدام روش‌ها و رویکردها، در چه زمان و مطابق با کدام الگویی باید پی‌گیری کرد و به اجرا درآورد؟

● راه‌های کنترل و ارزشیابی سودمندی، اعتبار، کارایی و کارآمدی و حتی اتلاف و ضایعه برنامه‌ها و طرح‌ها و خودفرایند برنامه‌ریزی چیست؟

عوامل زمینه‌ساز برنامه‌ریزی آموزشی

در یک نوع طبقه‌بندی می‌توان گفت در کل، دو دسته عوامل زمینه‌ساز در برنامه‌ریزی آموزشی قابل تشخیص‌اند:

الف- عوامل کیفی و ب- عوامل کمی؛

عوامل کیفی را می‌توان در چند مقوله برشمرد:

۱. بنیادی و محتوایی مثل هدف‌ها، طرح‌ها و برنامه‌ها متناسب با مخاطبانی که برنامه‌ریزی برای آن‌ها انجام می‌شود (جامعه و افراد آن)؛

۲. آموزشی (آماده‌سازی برنامه‌ریزان، طراحان، تدوین‌کنندگان و مجریان)؛

۳. اجرایی بر مبنای طرح‌ها، روش‌ها، رویکردها، جهت‌گیری‌ها، الگوها و راهبردها (نقش مدیریت‌ها).

عوامل کمی زمینه‌ساز برنامه‌ریزی آموزشی در مقوله‌های زیر قابل اشاره است:

۱- مقوله جمعیت، ساختار جمعیتی و شاخص‌های آن شامل:

● میزان رشد جمعیت؛

● میزان تراکم جمعیت؛

● میزان توزیع جمعیت در گروه‌های جنسیتی؛

● میزان توزیع جمعیت در گروه‌های سنی؛

● میزان توزیع جمعیت در گروه‌های عادی و استثنایی.

۲- مقوله سواد و شاخص‌های آن شامل:

● نرخ سواد در گروه‌های سنی و جنسیتی؛

● نرخ ثبت‌نام؛

● نرخ ماندگاری و اشتغال به تحصیل؛

● نرخ تکرار پایه تحصیلی؛

● نرخ ترک تحصیل؛

● نرخ گذر و بازدهی.

۳- مقوله بودجه و هزینه‌ها شامل:

● هزینه‌های عمومی و اختصاصی؛

● هزینه‌های سرانه؛

● هزینه‌های سرمایه‌ای و مصرفی؛

● منابع درآمدی.

۴- مقوله وسایل شامل: ابزارها، تجهیزات، امکانات

(سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) و چگونگی توزیع و بهره‌برداری از آن‌ها.

مراحل برنامه‌ریزی آموزشی

مراحل برنامه‌ریزی آموزشی از کلیت مراحل برنامه‌ریزی‌های دیگر تبعیت می‌کند. از جمع‌بندی ادبیات مرتبط با این موضوع [آیت‌اللهی، ۱۳۷۷] مراحل مزبور را در بندهای زیر می‌توان برشمرد:

● شناخت وضع موجود، آینده‌نگری و پیش‌بینی؛

● تصریح نقش‌ها و مأموریت‌ها؛

● شناخت محیط، امکانات و شرایط (فرصت‌ها و تهدیدها)؛

● تعیین نیازها و هدف‌گذاری و اولویت‌بندی هدف‌ها؛

● تدوین استراتژی؛

● تهیه برنامه عملیاتی؛



جهاد اقتصادی

برک اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واريز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۳۰۰۰ بانک تجارت شعبه سمرقان آرمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱- مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات قبض و ابریز.

۲- ارسال اصل قبض بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (قبض را نزد خود نگه دارید).

نام مجلات در خواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

میزان تحصیلات:

نشانی کامل پستی:

استان:

شماره کد پستی:

شماره پستی:

در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

امضاء:

نشانی: تهران، صديق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۵۵۱۱۱

وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۲۳۳۶۶۵۵ / ۷۲۳۳۵۱۱۰ / ۷۲۳۳۹۷۱۳-۱۴

هرینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۹۰۰۰۰ ریال
هرینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۶۰۰۰۰ ریال

- تخصیص بودجه و منابع؛
- سازمان‌دهی؛
- نظارت و کنترل؛
- اصلاح و تجدیدنظر.

دیویس [نقل از محسن پور، ۱۳۷۹، ص ۴۲] مراحل برنامه‌ریزی را به شرح زیر برشمرده است:

- تحلیل و بررسی چشم‌اندازها و انتظارات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مقاصد جامعه‌ای که نظام آموزشی به آن تعلق دارد؛
- تدارک مجموعه‌ای از هدف‌های کلی و جزئی؛
- بررسی و تبیین وضعیت موجود و نیز تحول گذشته نظام آموزشی؛
- تعیین نیازها و چالش‌های آینده؛
- طراحی سیاست‌ها، برنامه‌ها؛
- تخصیص منابع برحسب هدف‌ها و ظرفیت‌ها.

مؤلفه‌های فرایندی در نظام برنامه‌ریزی آموزشی سنتی و عقلایی

در تبیین وضعیت موجود نظام آموزش و پرورش، اطلاعات لازم در همه ابعاد ممکن مرتبط با نظام آموزش و پرورش باید گردآوری شود و از طریق تحلیل داده‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها، نقاط قوت و ضعف و زمینه‌های چالشی مشخص شوند. فرایند برنامه‌ریزی آموزشی دارای متغیرهایی است که در سه حیطه شامل: درون‌داده‌ها، فرایندها و برون‌داده‌های نظام آموزش و پرورش در دوره‌ها و سطوح متفاوت به شرح زیر قابل اشاره است:

اهم متغیرهای مرتبط با اطلاعات در حیطه درون‌داده‌ها

عبارت است از:

مخاطبان آموزش، معلمان و استادان آموزش، منابع مالی، امکانات، منابع و تجهیزات و فناوری‌ها.

اهم متغیرهای مرتبط با اطلاعات در حیطه فرایندها.

عبارت است از:

نرخ‌های قبولی، تکرار پایه، ترک تحصیل، مطلوبیت شیوه‌های آموزش، کیفیت برنامه‌ها و مدیریت‌ها، استفاده بهینه از منابع، وضعیت پژوهش و کاربست یافته‌های پژوهشی و نظایر آن.

اهم متغیرهای مرتبط با اطلاعات در حیطه برون‌داده‌ها

عبارت است از:

انتظارات آموزشی در حوزه‌های: دانشی، پیشی و نگرشی و مهارتی چه به صورت نتیجه و محصول کار آموزش، چه در حین تحصیل و چه به صورت پیامد پس از تحصیل و ورود به جامعه مشاغل و حرف. موارد برشمرده شده از نظر دیویس مرحله «پیش از تدوین» برنامه آموزشی است.

از نظر او «تدوین برنامه» نیز طی مراحل فرایندی به شرح

زیر صورت می‌گیرد:

- انتخاب هدف‌ها (شامل هدف‌های کمی و کیفی)؛
- انتخاب سیاست‌ها و خط‌مشی (مبتنی بر هدف‌ها)؛
- تعیین اولویت‌ها (بر مبنای سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها)؛
- تهیه برنامه تهیه شده (توسط مراجع ذی‌ربط)؛
- اجرا و نظارت بر آن (توسط ارزشیابان آگاه، مسئول و متعهد)؛
- ارزیابی و اصلاح برنامه (توسط کارشناسان خبره و زبده، مسئول و متعهد)؛
- به بیانی دیگر، می‌توان گفت در این نوع برنامه‌ریزی،

پی‌نوشت.....

1. Hoodson

منابع.....

- آیت‌اللهی، علی‌رضا ۱۳۷۷.
- اصول برنامه‌ریزی. مرکز آموزش مدیریت دولتی. تهران.
- رئیس‌دانا، فرخ‌لقا (۱۳۷۱).
- ارزشیابی برنامه و محتوای جدید آموزش ریاضی دوره ابتدایی. گزارش شماره ۹، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. وزارت آموزش و پرورش.
- کافمن، راجر و هرمن، جری. برنامه‌ریزی استراتژیک در نظام آموزشی، بازاندیشی، بازسازی ساختارها، و بازآفرینی. ترجمه مشایخ فریده و بازرگان، عباس. ۱۳۷۴. انتشارات مدرسه. تهران.
- کارلسون، رابرت و آکرم، هری. برنامه‌ریزی آموزشی. ترجمه سرمد، غلامعلی ۱۳۸۴. انتشارات آوای نور. تهران.
- گروه مشاوران یونسکو. فرایند برنامه‌ریزی آموزشی. ترجمه مشایخ، فریده ۱۳۶۹، انتشارات مدرسه. تهران.
- محسن‌پور، بهرام ۱۳۷۹. مبانی برنامه‌ریزی آموزشی. انتشارات سمت. تهران.
- مشایخ، فریده ۱۳۸۰. برنامه‌ریزی آموزشی در کارخان و علوم تربیتی، ماهیت و قلمرو آن. انتشارات سمت. تهران.

حرکت فرایندی از بالاترین سطح نظام به سمت پایین‌ترین سطح است. این فرایند شامل گام‌های زیر می‌شود:

- تعیین پیامدها و نتایج مورد انتظار آموزش؛
- تعیین مقاصد آموزشی (در دوره‌ها و سطوح گوناگون مقطعی)؛
- تمهید مقدمات و گزینش ابزارها و وسایل و منابع (سرمایه‌ای و مصرفی)؛
- سیاست‌گذاری، تعیین خط‌مشی‌ها، راهبردها و الگوهای عمل.

مؤلفه‌های فرایندی در نظام برنامه‌ریزی آموزشی راهبردی و تعاملی

برنامه‌ریزی استراتژیک فرایندی پویاست که با آینده‌نگری واقعیات و موقعیت‌های موجود را تحلیل می‌کند و با توجه به هر دو جنبه برای آینده‌ای بهتر طرح و برنامه تهیه می‌کند. این نوع برنامه‌ریزی بر مشارکت همه‌آحاد و اقشار مؤثر در پیدایی آینده بهتر تکیه دارد و از آن‌ها کمک می‌طلبد. از نظر کافمن و هرمن، مراحل یا فرایند کار با چنین رویکرد استراتژیک یا راهبردی شامل پنج مرحله است:

۱. **دورنگری؛** با این باور که «برنامه‌ریزی، ایجاد آینده‌ای بهتر و بارورتر است.» (کافمن ترجمه مشایخ و بازرگان، ص ۴۵)
۲. **گردآوری داده‌ها؛** با این باور که «برنامه‌ریزی بر پایه نتایج قابل اندازه‌گیری (داده‌های کمی) و ارزش‌ها (داده‌های کیفی) میسر است.»
۳. **برنامه‌ریزی؛** با این باور که «انجام هر کار به نقشه راه نیاز دارد.»

۴. **اجرا؛** با این باور که «فعالیت‌های درست اجرایی ضمانتی برای تحقق هدف‌های برنامه است.»

۵. **ارزشیابی؛** با این باور که «تعیین شاخص‌های موفقیت برنامه‌ها و کشف نقاط قوت و ضعف آن‌ها از طریق ارزشیابی ضرورتی حتمی برای تکوین، اصلاح و تغییر آن‌هاست.»

گام نخست عبارت از انتخاب میدان عمل از میان سه گزینه برنامه‌ریزی استراتژیک (خرد، کلان و فراسوی کلان) است. نکته قابل توجه و حائز اهمیت این است که ارتباط درون هر سطح و میان سطوح خطی نیست. «درون هر سطح و ما بین سطوح خرد، کلان و فراسوی کلان تعامل وجود دارد» (کافمن، ترجمه مشایخ و بازرگان، ص ۷۳). برای مثال، میزان درک خواندن یک یادگیرنده بر درک او در درس ریاضیات اثر می‌گذارد [رئیس‌دانا، ۱۳۷۱، ص ۶۴].

گام بعدی یعنی گردآوری داده‌ها شامل: شناسایی باورها و ارزش‌ها، پنداره‌ها، مأموریت‌ها و سنجش نیازهاست.

«گام بعدی یعنی برنامه‌ریزی شامل: مشخص کردن مؤلفه‌های برنامه موردنظر است.» (چه چیزی؟ چگونه؟ چه کسی؟ چه موقع؟ چرا؟ و کجا؟)

دو گام بعدی - یعنی اجرا و ارزشیابی - اگرچه جزو برنامه‌ریزی محسوب نمی‌شود اما به مدیریت استراتژیک نیازمند است. در مدیریت راهبردی مرتبط با ارزشیابی باید برای ارزشیابی تکوینی و پایانی مبتنی بر راهبردهای تاکتیکی، پیش‌بینی‌های لازم صورت گیرد.

از آن‌جا که این فرایند چرخه‌ای است، نتایج ارزشیابی‌ها در هر مرحله مبنای اصلاح و تغییر قرار می‌گیرد. نکته آخر آن‌که این فرایند باید به‌طور مستمر در جریان باشد. نمودار ۱ چارچوب فرایند برنامه‌ریزی آموزشی را نشان می‌دهد.

با مجله‌های رشد آشنا شوید

دفتر انتشارات کمک آموزشی

مجله‌های رشد توسط انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

لشده کودک

(برای دانش آموزان ابتدایی و پایه اول دبستان)

لشده نوجوان

(برای دانش آموزان پایه دوم و سوم دبستان)

لشده دانش آموز

(برای دانش آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دبستان)

لشده نوجوان

(برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

لشده جوان

(برای دانش آموزان دوره متوسطه و پیش دانشگاهی)

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

● **رشد آموزش ابتدایی** ● رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ● رشد تکنولوژی آموزشی ● رشد مدرسه فردا ● رشد مدیریت مدرسه ● رشد معلم

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

● **رشد برهان ریاضی** (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) ● **رشد برهان متوسل** (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه) ● **رشد آموزش قرآن** ● **رشد آموزش معارف اسلامی** ● **رشد آموزش زبان و ادب فارسی** ● **رشد آموزش هنر** ● **رشد مشاور مدرسه** ● **رشد آموزش تربیت بدنی** ● **رشد آموزش علوم اجتماعی** ● **رشد آموزش تاریخ** ● **رشد آموزش جغرافیا** ● **رشد آموزش زبان** ● **رشد آموزش ریاضی** ● **رشد آموزش فیزیک** ● **رشد آموزش شیمی** ● **رشد آموزش زیست‌شناسی** ● **رشد آموزش زمین‌شناسی** ● **رشد آموزش فلسف و عرفانی** ● **رشد آموزش پیش دبستانی**

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جوین مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

● **نمناقی:** تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۱۴۶۶ دفتر انتشارات کمک آموزشی.

● **تلفن و فکس:** ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱